

قضاوت نمی‌کنم

گفت‌وگو با نیکی کریمی، کارگردان فیلم «شیفت شب»

قضاوت نمی‌کنم

فرانک آرتا: نیکی کریمی تا امروز نزدیک به ۶۰ فیلم در سینمای ایران بازی کرده و در مقام کارگردان هم چهار فیلم بلند سینمایی و دو فیلم مستند ساخته است. مستند «داشتن و نداشتن» را ۱۳۸۰ و نخستین فیلم بلند داستانی خود، «یک شب» را در سال ۱۳۸۳ کارگردانی کرد. فیلم به دلیل ممیزی، به مدت ۱۰ سال اجازه اکران پیدا نکرد. ولی همان زمان در جشنواره‌های معتبر خارجی از جمله «جشنواره فیلم کن» موردتوجه قرار گرفت. تا اینکه سال گذشته طلسم فیلم شکست و بالاخره در گروه «هنر و تجربه» به‌طور محدود اکران شد. کریمیی فیلم بعدی خود «چند روز بعد» را در سال ۱۳۸۵ کارگردانی کرد که این فیلم هم به بن‌بست ممیزی برخورد و تا امروز رنگ پرده سینما را به خود ندیده. این بازیگر – کارگردان سینما، سومین فیلم خود را با عنوان «سوت پایان» در سال ۱۳۸۹ کارگردانی کرد. فیلم به زندگی زن و شوهری مستندساز می‌پردازد. سامان (شهاب حسینی) و سحر (نیکی کریمی) زندگی آرامی را در شهر تهران می‌گذرانند. اما در فیلمی که سامان برای تلویزیون ساخته، صحنه‌ای خراب می‌شود و سامان به علت گرفتاری، تکرار صحنه فیلم‌برداری را به همسرش سحر می‌سپارد. این فیلم در بیست‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و همین‌طور در جشنواره فیلم سینمایی «زورل» فرانسه، جایزه اصلی هیات داوران جوان جشنواره را دریافت کرد. خوشبختانه «سوت پایان» توانست در ایران به نمایش عمومی درآید. همچنین کریمی به دلیل علاقه‌اش به ورزش فوتبال، مستند «روزی روزگاری فوتبال» را در سال ۱۳۹۱ برای شبکه خانگی کارگردانی کرد. «شیفت شب» جدیدترین فیلم کریمی است که با موضوع تحریم‌های اقتصادی این روزها در سینماهای کشور اکران شده است. با وجود تأثیرات سوء تحریم‌های اقتصادی بر زندگی مردم، تاکنون کمتر فیلمی به این موضوع پرداخته. به بهانه نمایش گسترده فیلم «شیفت شب» با نیکی کریمی به گفت‌وگو نشستیم.

❧ **با حضور در اکران‌های مردمی فیلم «شیفت شب»، حتما واکنش مردم را بدون واسطه دیدید و آنها نظرات خود را بیان کردند. در مجموع تحلیلتان چیست؟**

همیشه از اینکه فیلم را با مردم ببینم، استقبال می‌کنم. به‌ویژه برای «شیفت شب»، دوست داشتم واکنش مردم کشورم را بدون واسطه و از نزدیک ببینم؛ چون حتما می‌دانید که فیلم‌های قبلی‌ام همیشه در اکران با مشکل مواجه می‌شدند. «شیفت شب» نخستین فیلم من است که اکران عمومی دارد. خوشبختانه واکنش‌ها و نظرات مردم نشانگر این بود که با فیلم ارتباط برقرار کردند و می‌توانم بگویم که درصد بالایی از مردم حس مثبتی به آن داشته‌اند.

❧ فکر کنم از معدود فیلم‌هایی است که مستقیم به مسئله تحریم‌های اقتصادی و تأثیر آن بر زندگی مردم می‌پردازد. طبعاً مشکلات اقتصادی، موضوعی است که در این سال‌ها مردم از نزدیک آن را لمس کرده‌اند.

بله، همین‌طور است. هر چند که ما داریم قصه‌ای تعریف می‌کنیم، ولی موضوع آن کاملاً واقعی است. به‌همین‌دلیل، به‌نظرم مردم، قصه فیلم را باور کردند. طبیعتاً باورپذیر بودن داستان فیلم، تأثیرات مثبت خود را روی مخاطب می‌گذارد. من هم مثل هر فیلم‌سازی، نگاه مخاطب برابرم مهم است و از این نظر خوشحالم.

❧ ضمن اینکه روزه‌روز فروش فیلم بالاتر می‌رود.

وقتی عده‌ای فیلم را می‌بینند، اگر از آن خوششان بیاید، هرکسی به شکل فردی مبلغ فیلم می‌شود و به دوستان و اطرافیانش دیدن فیلم را توصیه می‌کند درواقع استقبال هر مخاطب، در جذب مخاطب بعدی تأثیر می‌گذارد.

❧ قصه فیلم، خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که مشکلات اقتصادی برای‌شان به سایه سنگینی تبدیل و هویت خانواده به درد تزلزل گرفتار می‌شود؛ یعنی مرد فیلم، فرهاد، (محمدرضا فروتن) در یک کفه و زن و دخترش در کفه دیگر قرار می‌گیرد. جالب است که عامدانه فرزند خانواده، دختر انتخاب شده که تأثیر احساسی فیلم را بیشتر می‌کند. با وجود فشارها و حتی بی‌عدالتی که متوجه زن می‌شود، او سعی می‌کند با چنگ و دندان زندگی‌اش را حفظ کند. درکن این توان گفت پازلی از خانواده و سینمای سالم و آفرمانی را به‌تصویر کشیدید که منطبق بر فرهنگ ایرانی است؛ یعنی با وجود چالش‌هایی که این سال‌ها گریبان‌گیر خانواده‌ها در دنیای واقعی شده، زوج‌ها در ذهنشان حسرت چنین خانواده‌ای را می‌کشند که با وجود همه مشکلات، زن که محور خانواده است، تاب بیاورد…

منمون از شما که به ترکیب سینمای سالم اشاره کردید، چون این چیزی است که به آن اعتقاد دارم. معتقدم در ادبیات، نقاشی و سایر هنرها، هنرمند وظیفه دارد از انسانیت و راه درست بگوید؛ مثلاً در



فیلم قبلی‌ام «سوت پایان»، ما زن و شوهری می‌بینیم که مستندسازند. یکی اعتقاد به «هنر برای هنر» دارد و دیگری به تأثیر اجتماعی هنرش نظر می‌کند، چون هرکدام دنبال شعارهایی هستند که همه انسان‌ها در جست‌وجوی آن‌اند؛ ولی در فیلم «شیفت شب»، آن چیزی که به تصویر کشیده شده، واقعیات جامعه ماست و با وجود واقعیات تلخ، به‌نظم نباید انسانیت هم نادیده گرفته شود. درواقع تاب‌آوردن زن و کنده‌شدن او از زندگی، همان انسانیتی است که باید در زندگی‌ها باشد و نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت.

❧ برای رسیدن به این واقعیت، آیا تحقیقات میدانی هم انجام دادید؟

به‌نظرم، تحقیقات میدانی به آن معنی که شما دنبالش هستید، لازم نبود چون این نکته از شناخت می‌آید. من با همین مردم زندگی می‌کنم. به‌طورکلی، نگاه هنرمند، از جامعه و مردم تأثیر می‌گیرد. این موضوع، چیزی نبود که یک شبه به آن برسم، بلکه در گذر زمان چنین نگاهی شکل می‌گیرد. ضمن اینکه کتاب می‌خوانم. فیلم می‌بینم. مسائل روز جامعه را دنبال می‌کنم. گزارش و اخبار رسانه‌ها را پیگیری می‌کنم. درعین‌حال، سعی می‌کنم در مواجهه با وقایع، بدون قضاوت، نظاره‌گر باشم. بیش از اینکه به حکم قطعی برسم، سعی می‌کنم آدم‌ها را در موقعیت‌های مختلف درک کنم. درهرصورت بی‌تفاوت نیستم.

❧ اما درنهایت، در فیلم می‌بینم که در جاهایی، در حق زن ظلم می‌شود؛ بااین حال، همچنان تمکین می‌کند. چرا؟

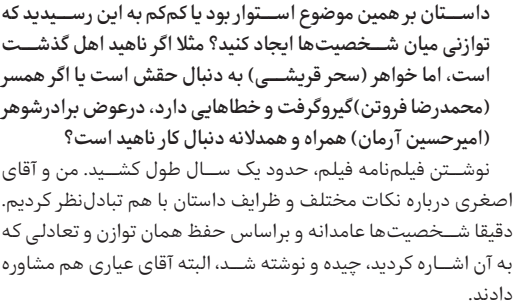
معتقدم همان‌قدر که زن داستان فیلمم محق است، مرد هم حق دارد، چون آن مرد هم در همین جامعه زندگی می‌کند و درنهایت می‌خواهد خانواده‌اش را حمایت کند. اگر بی‌عدالتی در جامعه وجود دارد، متوجه هر دو است و طبعاً روی زندگی هر دو تأثیر گذاشته، منتها واکنش‌های هرک فرق می‌کند. به‌همین‌دلیل پرهیز داشتم که جانب‌دارانه نگاه کنم.

❧ البته در نخستین فیلم مستندتان، «داشتن و نداشتن»، مستقیم به مسئله زنان نازا در جامعه پرداختید و کلاً نگاه جانب‌دارانه نسبت به موضوعات زنانه داشتید؛ حتی در «یک شب» هم همین‌طور، اما رفته‌رفته نگاهتان دچار چرخش شد. چگونه این تغییر به‌وجود آمد؟

اصولاً هر داستانی که انتخاب می‌کنم، مختصات خاص خودش را دارد. نگاه برخی از افراد در جامعه –اگر بخواهم منصفانه و متعادل نگاه کنم– به مسئله نازایی زنان نادرست بود. من هم سعی کردم آنها را انعکاس بدهم؛ اما در برخی از موضوعات نظیر مسائل حقوقی

زنان، می‌توان با صراحت بیشتری آنها را به تصویر کشید. اما مشکلات اقتصادی که گریبان‌گیر جامعه شده است، دیگر زن و مرد نمی‌شناسد.

هر دو درگیر آن شدند و نمی‌توان یکی را مقصر و دیگری را مظلوم جلوه داد.



❧ از روز نخست هم که شروع به نوشتن فیلم‌نامه کردید، پایه داستان بر همین موضوع استوار بود یا کم‌کم به این رسیدید که توازن میان شخصیت‌ها ایجاد کنید؟ مثلاً اگر ناهید اهل گذشت است، اما خواهر (سحر قریشی) به دنبال حقش است یا اگر همسر (محمدرضا فروتن) گیروگرفت و خطاهایی دارد، درعوض برادرشوهر (امیرحسین آرم‌ان) همراه و همدلانه دنبال کار ناهید است؟

نوشتن فیلم‌نامه فیلم، حدود یک سال طول کشید. من و آقای اصغری درباره نکات مختلف و ظرایف داستان با هم تبادل‌نظر کردیم.

دقیقاً شخصیت‌ها عامدانه و براساس حفظ همان توازن و تعادلی که به آن اشاره کردید، چیده و نوشته شد، البته آقای عیاری هم مشاوره دادند.

❧ انتقادی که به فیلم شما می‌شود، این است که امروزه به دلیل مشکلات، کمتر زن و مردی، دیگر نتوان و تحصیل ادامه زندگی مشترک دارند، چون آوار مشکلات دیگر مجالی برای گذشت‌کردن نمی‌گذارند. درحالی‌که فیلم شما زن و شوهرهای نظیر دهه شصت را نشان می‌دهد که به‌اصطلاح بساز هستند. درحالی‌که آمار و ارقام طلاق و جدایی‌ها در جامعه امروزی، متأسفانه پیام فیلم شما را تأیید نمی‌کند. تحلیلتان از این موضوع چیست؟



به نظر، تازه این انتقادی که مطرح کردید خوب است! چون من شنیدم می‌گویند اصلاً چرا این زن گذشت می‌کند؟! چرا زندگی را رها نمی‌کند؟ بهتر است دست دخترش را بگیرد و زندگی دیگری برای خودش بسازد! چرا پایداری می‌کند و سعی و کوشش او بر این است که مشکل را حل کند؟! دیگر دوره این فداکاری‌ها گذشته! اما من همیشه به چیزی که اعتقاد دارم، عمل می‌کنم. اعتقاد دارم در هر حالت، آدم باید کار درست را انجام دهد. قصه فیلم من هم عجیب‌وغریب نبود. زن و شوهری دچار مشکل اقتصادی می‌شوند و هرکدام بنابر ذهنیات و امکاناتشان، می‌خواهند مشکل را حل کنند. زن، مشکلات شوهرش را می‌داند و سعی می‌کند پنهانی به مرد کمک کند. مرد هم نمی‌خواهد مسائل کاری‌اش را وارد زندگی خانوادگی‌اش کند. خودش به‌تنهایی سختی‌ها را می‌کشد. هیچ‌کدام هم مقصر نیستند، چون مشکلات از بیرون بر سر آنها ریخته شده است. اما واکنش‌های هرک متفاوت است. به همین سادگی! خیلی موافق نیستم که موضوع پیچیده است. درست است که هر زندگی، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، ولی برای هر بحرانی، راه برون‌رقتی هم وجود دارد؛ بنابراین خیلی با این تحلیل‌ها که زن جدا شود و… موافق نیستم.

❧ در «شیفت شب» همچون «سوت پایان»، تکنیک دوربین روی دست را به کار بردید. هرچند در این فیلم، نماهایی این‌چنینی نسبت به فیلم قبلی کمتر وجود دارد. چرا؟

در این فیلم، در صحنه‌های داخلی خانه بیشتر استفاده کردم تا اضطراب و نگرانی ناهید (لیلا زارع) را نشان دهم.

❧ اما در دعای میان مرد برخواور (امیر آقایی) و ناهید در خیابان هم، از همین تکنیک استفاده کردید؟

این نکته نتیجه همفکری من و فیلم‌بردارم، آقای برازنده، بود؛ یعنی بعد از بحث و بررسی‌ها، به این رسیدیم که آن نماها به شکل دوربین روی دست فیلم‌برداری شود.

❧ به‌نظرم، بازی لیلا زارع و امیرحسین آرم‌ان و کلاً بازی‌های فیلم، حتی سحر قریشی که چندان بازیگر خوبی نیست یا شاید هم تابه‌حال درست هدایت نشده، قابل قبول بود. شیوه هدایت بازیگران از سوی شما چگونه بود؟

من به دلیل بازیگر بودنم، کلاً با مسائل و زیربوم بازی سر صحنه آشنا هستم. در «شیفت شب» تمام توانم را روی این مسئله گذاشتم

و حواسم به بازی‌ها بود. (می‌خندد) به‌طوری‌که آرزو می‌کردم هنگام بازی‌کردن خودم هم، کارگردان شش‌دانگ حواسش به بازی من باشد!

❧ شغلی که همسر ناهید در انتهای فیلم انتخاب کرده –کشتن موش‌های خیابان ولیعصر– آیا واقعی است؛ یعنی شهرداری چنین افرادی را استخدام کرده؟

بله، یادم می‌آید یک روز، علی اصغری روزنامه همشهری را با خود آورد و در آن گزارش تصویری را به من نشان داد که کارمندان شهرداری به همین کار خودم هم، موش‌های خیابان را می‌کشند. به‌نظرم ایده خوبی بود که در فیلم می‌توانست راه‌گشا باشد. ضمن اینکه غافلگیرکننده هم بود، چون به دلیل ناشناخته‌بودن این شغل، تماشاگر نمی‌توانست حدس بزند. درواقع، مرد در پایان داستان به این شغل پناه می‌آورد.

❧ خانم کریمی! همیشه این سؤال برابرم مطرح است که شما چگونه به تنهایی، کار فیلم‌سازی را بیش می‌برید؟

(می‌خندد) چطور؟

❧ بیشتر فیلم‌سازان زن در ایران در روند کارنامه هنری‌شان، شوهران هم‌رشته دارند که به‌نوعی در فرایند تولید و تهیه‌کنندگی در کنارشان هستند، درحالی‌که شما توان‌ان و به‌تنهایی و بدون روابط خانوادگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی می‌کنید. این مسئله چگونه اتفاق می‌افتد؟

برای این کار، برنامه‌ریزی می‌کنم. البته ترجیح می‌دهم با وجود سختی تهیه‌کنندگی، خودم هم تهیه‌کننده باشم. چون هم استقلال خودم را حفظ می‌کنم و هم از دردسرها و مشکلات تهیه‌کننده رها می‌شوم.

❧ فیلم شما، در جشنواره‌های خارجی هم حضور پیدا کرد. واکنش مخاطبان آنجا چگونه بود؟

در آن‌جا هم از «شیفت شب» استقبال خوبی شد. جالب است که تماشاگران زن و مرد، انکار با مشکلات زوج فیلم بیگانه نبودند.

❧ ظاهراً بعد از «سوت پایان»، فضای آن فیلم را رها نکردید؟ چطور؟

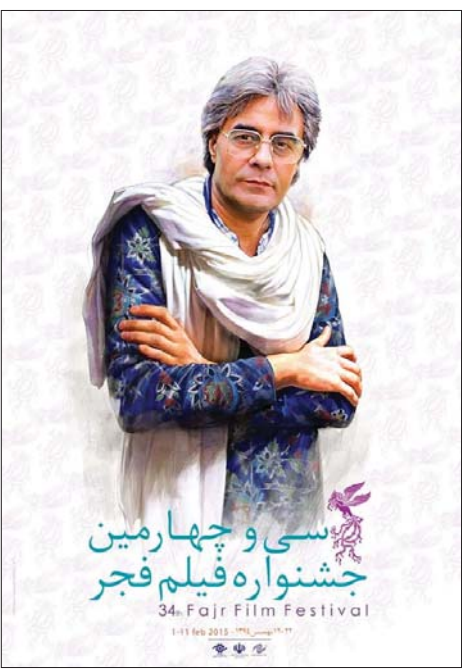
❧ شنیدم اول بهم‌ن قرار است برای زندانیانی که مشکل مالی مشابه شخصیت اصلی «شیفت شب» دارند، مراسم گلریزان برگزار کنید. هرچند که گرفتاری زندانی فیلم «سوت پایان» قتل بود؟

همان‌طورکه گفتم همیشه به چیزی که اعتقاد دارم، عمل می‌کنم.



کیاره محمدی: ۳۳ سال از برگزاری نخستین دوره جشنواره فیلم فجر می‌گذرد و در این سال‌ها که جشنواره‌ها ملی بوده و گاه بین‌المللی، فرازونشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. اما یکی از مواردی که هرسال پیش از برگزاری جشنواره بحث‌های زیادی به‌همراه دارد، پوستر جشنواره است. پوستر این دوره از جشنواره به‌لحاظ ایجاد حواشی و جبهه‌گیری موافقان و مخالفان سرسختش گوی سبقت را از دوره‌های پیشین ربوده است. حرف‌وحديث‌ها از روزی شروع شد که پوستر جشنواره در نشست خبری دبیر رونمایی شد. نقاشی نیم‌تنه‌ای از خسرو شکیبایی که در یک‌سوم پایین تصویر عبارت سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر و تاریخ برگزاری نقش بسته بود. در نگاه اول شاید نزدیک‌ترین حدس این بود که پوستر مذکور برای بزرگداشت این بازیگر طراحی شده ولی پس از اندکی تأمل، بیننده متوجه می‌شود که این تصویر پوستر اصلی جشنواره است. حال این سؤال مطرح است که آیا این طرح جامعیت لازم را برای تبدیل‌شدن به ویتربزرگ‌ترین رویداد سینمایی کشور دارد؟ آیا می‌توان این پوستر را ۱۰روز (یا کمی بیشتر) روی بیلبوردها و پرتابل‌های شهر دید و خسته نشد؟ تکلیف پوستر بخش‌های جنبی جشنواره مثل «نگاه نو»، «مستند» و… چه می‌شود؟ آیا قرار است هر یک از این بخش‌ها ساز خود را بزنند؟ ناگفته نماند که در سال‌های گذشته هم پوستر بخش‌های جنبی استقلال نسبی داشتند اما حکایت امسال به‌گمانم کمی پیچیده‌تر است. شاید عده‌ای در پاسخ به این پرسش که چرا چهره یک بازیگر باید نماد جشنواره باشد بگویند که در جشنواره‌های معتبر جهانی مثل کن نیز از پرتره بازیگران مشهور و محبوب استفاده می‌شود. اما این پاسخ، دلیل قانع‌کننده‌ای برای چنین انتخابی نیست چراکه با نگاهی هرچند اجمالی و گذرا به آن پوسترها می‌توان تفاوت فاحش این دو نوع نگاه را دید. اولاً که جشنواره فیلم فجر جشنواره‌ای دولتی است و جشنواره‌ای مثل کن جشنواره‌ای خصوصی، در چنین شرایطی مشخص است که انتخاب‌ها نمی‌توانند یکسان باشند، به‌عنوان مثال اگر در جشنواره کن یک‌سال پرتره مارچلو ماسترویوانی را در پوستر می‌بینیم، در سال دیگری چهره اینگرید برگمن در پوستر دیده می‌شود. آیا این اتفاق در ایران هم رخ می‌دهد مثلاً می‌توانیم تصور کنیم سال آینده یا چندسال بعد چهره سیمین معتمدآریا را ببینیم؟ یا دولت تغییر می‌کند و تصور چهره یک زن روی پوستر جشنواره فیلم فجر امری محال خواهد بود؟ به‌گمانم آنان که امسال هرچند جسورانه این پوستر را برای جشنواره برگزیده‌اند باید به این سؤال مهم پاسخ دهند.

نکته دوم که همواره پاشنه آشیل جشنواره بوده، استفاده نکردن یا بهتر بگویم استفاده حداقلی از طراح گرافیک مستقل و حرفه‌ای برای انجام چنین کاری است. البته این نکته را هم باید اضافه‌کنم که صرف استفاده و به‌خدمت‌گرفتن طراح گرافیک حرفه‌ای ضامن موفقیت طرح نهایی نیست اما دست‌کم این معضل را که کار به کاراند سپرده نشده مرتفع می‌کند. به‌عنوان‌مثال پوستر دوره بیست‌ونهم را به خاطر بیاورید که مسعود نجابتی با استفاده مناسب از تایپوگرافی آن را طراحی کرده بود با همین دوره سی‌وسوم یعنی سال گذشته را که طاه‌ا ذاکر میان همین طراحان گرافیک هم گاهی اشتباهاتی رخ می‌دهد و پوستر نامناسبی طراحی می‌شود؛ بزرگانی که انتظار چنین کارهایی از آنها بعید



است اما… به‌عنوان نمونه می‌توان به پوستر دوره سی‌ام اشاره کرد که در آن ابراهیم حقیقی مشخصات جشنواره سی‌ام را روی صفحه اول شناسنامه جانمایی کرده بود و با اعتراض‌های زیادی از سوی سینماگران، طراحان و حتی مخاطبان عام سینما روبه‌رو شد.پس آنچه واضح می‌نماید این مهم است که در زمینه طراحی نمی‌توان تنها به نام‌ا اکتفا کرد اما کافیتست کسانی که مسئول واگذاری مواد تبلیغی و گرافیک جشنواره هستند رویدادهایی مثل بی‌نال طراحی گرافیک، نمایشگاه سرو نفره‌ای و نمایشگاه‌هایی از این دست را رصد کنند تا با طراحان خوش‌فکر و خلاق آشنا شوند. برای جشنواره‌ای در سطح جشنواره فیلم فجر، داشتن یک آرشيو از نام طراحان گرافیک امری واجب، لازم و ضروری است. به گمان نگارنده آنچه باعث شدت اعتراضات شده این است که هیچ‌یک از نام‌هایی که به‌عنوان طراح این پوستر معرفی و مطرح شده‌اند تخصصی در زمینه طراحی گرافیک ندارند. تا آنجا که به خاطر دارم، بزرگمهر حسین‌پور کارتنویست مبتخری است و مجید بزرگ فیلم‌سازی موفق؛ اما هیچ‌یک طراح گرافیک نیستند.حسین‌پور اخیراً برای فیلم ارغوان (آخرین فیلم امید بندکار و کیوان علیمحمدی) چهره مهتاب کرامتی را نقاشی و به‌عنوان پوستر منتشر کرده و بزرگ نیز برای فیلم‌هایی خودش و بعضی از فیلم‌های تولید دفتر فیلم‌سازی خود پوسترهایی طراحی کرده است اما اینها دلیل بر سپردن پوستر جشنواره‌ای در این سطح، به این دو عزیز نمی‌شود.به این نکته توجه داشته باشید که یکی از مهم‌ترین نکات در طراحی و اجرای پوستر است لوت (lay out) و جانمایی حروف است که در این مورد به بدترین و دم‌دستی‌ترین شکل ممکن اجرا شده است. یعنی نمی‌شد عنوان سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر را با فونتی مناسب و تایپوگرافی درخرو این رویداد طراحی و جانمایی کرد؟ نوشتن عنوان جشنواره با فونتی اداری و اجرایی خام‌دستانه یکی دیگر از نقاط ضعف این پوستر است. جالب اینجاست که بعد از رونمایی از پوستر، بحث‌هایی درگرفته که در آن هر یک از این دو (بزرگ و حسین‌پور)، طرح نهایی را متعلق به خود می‌دانند!!!!

ادامه در صفحه ۱۱

نوانس

ارکستر ملی با یاد همایون خرم می‌نوازد

شرق: ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری سهراب کاشف و با مدیریت هنری فرهاد فخرالدینی روزهای ۲۳ و ۲۴ دی در تالار وحدت روی صحنه می‌رود تا آثاری از آهنگ‌سازان ایرانی و آذربایجانی را اجرا کند. در این اجرا که با یادی از همایون خرم برگزار می‌شود، قطعاتی از ایسن آهنگساز ایرانی توسط مجتبی عسکری و محمد کرد خوانده می‌شود.

از آنجا که اولین‌بار است ارکستر موسیقی ملی ایران با رهبر میهمان روی صحنه می‌رود، فرهاد فخرالدینی، مدیر هنری و رهبر این ارکستر پیرامون انتخاب سهراب کاشف به‌عنوان اولین رهبر میهمان ارکستر موسیقی ملی گفت: «همواره یکی از آرزوهای من، کمک‌کردن به جوانان موسیقی ایران برای موفقیت بیشتر بوده است. من کار سهراب کاشف را در برنامه‌ای که در برج میلاد داشت و من هم دعوت بودم، دیدم و متوجه شدم بر کارش مسلط است. در همان اجرا فرصتی پیش آمد و با هم آشنا شدیم». فخرالدینی در ادامه با اشاره به حاشیه‌هایی که درباره اجرانکردن قطعاتی از حسین دهلوی توسط ارکستر موسیقی ملی پیش آمده بود، گفت: «حدود هفت، هشت سال پیش از ایشان دعوت کردیم که به ارکستر ملی بپیوندند و آثارشان را اجرا کنند؛ اما به دلیل بیماری ترجیح دادند این کار را انجام ندهند. ضمن اینکه زمانی که من رهبر ارکستر رادیو-تلویزیون ملی ایران بودم چند کار از ایشان با رهبری خودشان با ارکستر رادیو-تلویزیون ملی اجرا کردیم که از جمله آنها می‌توان به قطعه سبکبال اشاره کرد. این‌بار هم علاقه‌مند بودیم که خودشان حضور داشته باشند، اما پیش نیامد. به‌هرحال همان‌طور که همسر ایشان هم اعلام کردند هیچ کدورتی بین ما نیست.

من هم در اینجا اعلام می‌کنم که ما هیچ کدورتی نداریم و بسیار خوشحالم که در اجرای اخیر ارکستر موسیقی ملی، اثری از ایشان اجرا می‌کنیم». ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری سهراب کاشف و مدیریت هنری فرهاد فخرالدینی ساعت ۲۱ روزهای ۲۳ و ۲۴ دی ۱۳۹۴ در تالار وحدت به روی صحنه می‌رود و علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت ایران کنسرت www.iranconcert.com مراجعه کنند.

تماشا خانه

«شب آوازهایش را می‌خواند» دواجرانی شد

شرق: نمایش «شب آوازهایش را می‌خواند»، نوشته یون فوسه و به کارگردانی رضا گوران که از نیمه دوم آذرماه در سالن استاد سمندریان روی صحنه می‌رود، پنجشنبه و جمعه این هفته ۲۴ و ۲۵ دی دواجرانی می‌شود و ستاسی ویژه در ساعت ۱۷:۳۰ خواهد داشت. دانشجویان کلیه رشته‌ها نیز می‌توانند با مراجعه حضوری از تخفیف ویژه دانشجویی بهره‌مند شوند.

«شب آوازهایش را می‌خواند» به تهیه‌کنندگی مهرداد بهاءالدینی و محمد قدس و با بازی باران کوثری، نوید محمدرزاده، سعید چنگیزیان و نیلوفر زواری هفته گذشته میزبان هنرمندانی همچون فاطمه معتمدآریا، پیمان معادی، سحر دولت‌شاهی، مهناز افشار، پانته‌ا بهرام، رکسانا بهرام، پرویز پورحسینی، کاظم سیاحی، امیررضا کوهستانی، نازنین فراهانی، بهرام افشاری، خسرو شهرار، مریم پاییزیان، منوچهر والی‌زاده، محمد حاتمی و… بوده است. علاقه‌مندان به تهیه بلیت‌های این نمایش می‌توانند به سایت‌های گیشه نت و تیوال مراجعه کنند.